

مقدمه

آموزش و پرورش زیربنای توسعه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه است. بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و ترقی جوامع پیشرفته نشان می‌دهد که همه این کشورها از آموزش و پرورش توانمند و کارآمد برخوردار بوده‌اند. به تعبیر دیگر آموزش و پرورش را می‌توان یکی از نهادهای تعیین کننده بنیادهای فرهنگی و اخلاقی یک جامعه دانست. این نهاد از یک سو با کودکان، نوجوانان و جوانان خلاق، مبتکر و مستعد و از طرف دیگر با طیف گسترده‌ای از مردم به عنوان خانواده‌ها یا اولیای دانش‌آموزان در ارتباط است و تعلیمات و آموزش‌های خود را چه مثبت و چه منفی به پیکره جامعه تزریق می‌کند. بنابراین توجه بیش‌تر به تعلیم و تربیت، مهم‌ترین عامل پیشرفت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه است که اثرهای آن متوجه جامعه و خانواده خواهد شد. یکی از آفت‌های بزرگ آموزش و پرورش و خانواده‌ها که همه ساله به میزان زیادی امکانات، منابع و استعدادها بالقوه انسانی و اقتصادی را تلف می‌کند و تأثیرات غیر قابل جبرانی در ابعاد فردی و اجتماعی به جای می‌گذارد، پدیده آفت تحصیلی است.

افت تحصیلی

خانواده و

افت



محیط غم آلود اختلاف، بگومگو و حتی سکوت ناشی

از قهر برای کودکان و حتی نوجوانان و جوانان درد آور

و خرد کننده است و نتایج اسف باری به دنبال دارد

که در بیش تر مواقع سبب افت تحصیلی دانش آموز می شود.

یکی از مهم ترین آن عوامل، ویژگی های خانوادگی است که سبب بروز و ظهور افت تحصیلی می شود، زیرا خانواده یک نهاد اجتماعی کوچک است که اولین کانون تربیتی به حساب می آید و کودک مقدار قابل توجهی از وقت خود را در آن می گذراند.

محیط خانواده

صاحب نظران روان شناسی و علوم تربیتی یکی از مهم ترین نهادهای مؤثر در تربیت و رفتار آدمی را سازمان خانواده می دانند. زیرا محیط خانواده اولین و بادوام ترین عامل در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان و زمینه ساز رشد جسمانی، اخلاقی، عقلانی و عاطفی آنان است. علاوه بر آن اهمیت خانواده و نقش آن در تربیت کودکان تقریباً در تمامی کتب روان شناسی، تعلیم و تربیت و... به طور مستقیم و غیرمستقیم مورد بحث و بررسی قرار گرفته و طبعاً در هر نوشته ای این موضوع از بعد یا ابعاد خاصی مطرح شده است. برای مثال در کتاب روان شناسی تربیتی دکتر شریعتمداری آمده است: "اگر انتظارات والدین از کودکان معقول و با واقع بینی همراه باشد اختلالی در رفتار آنها ایجاد نمی شود. اما در برابر انتظارات ناروا گاه کودک خودسر و بی پروا می شود و قوانین و مقررات را زیر پا می گذارد. کودک از مشاهده رفتار والدین به تدریج آنها را می شناسد و راه و رسم زندگی را نیز با تقلید از اعمال آنها فرامی گیرد و آن چه درباره پدر و مادر درک می کند به دیگران تعمیم می دهد.

مواد اولیه را که باید به محصول نهایی تبدیل می شد، تلف کرده و نتیجه مطلوب و مورد انتظار را به بار نیاورده است. شاید این تشبیه چندان خوشایند نباشد و اصطلاح "تصور در تحصیل" یا "واماندگی در تحصیل" از آن مطلوب تر باشد (امین فر، ۱۳۶۵).

وقتی صحبت از افت تحصیلی می شود منظور تکرار پایه تحصیلی در یک دوره و ترک تحصیل پیش از پایان دوره است. به عبارت دیگر افت تحصیلی شامل جنبه های مختلف شکست تحصیلی، چون غیبت مطلق از مدرسه، ترک تحصیل قبل از موعد مقرر، تکرار پایه تحصیلی، نسبت میان سنوات تحصیلی دانش آموز و سال های مقرر آموزش، کیفیت نازل تحصیلات دانش آموزان در مقایسه با آنچه باید باشد و کسب محفوظات به جای معلومات (نریمانی، ۱۳۷۱).

بدون تردید هیچ نظام آموزشی بی نمی تواند صد در صد به اهداف آموزشی خود برسد، ولی موفق بودن هر نظام آموزشی به نزدیک تر شدن هر چه بیش تر به اهداف تعیین شده بستگی دارد. برای نزدیک تر شدن به اهداف نظام آموزشی حتماً می بایست عوامل مؤثر بر افت تحصیلی را شناخت و اثرهای آن را کاهش داد.

علل و عوامل افت تحصیلی دانش آموزان را می توان از ابعاد مختلف طبقه بندی کرد که بررسی تمامی این ابعاد در قلمرو یک مقاله نمی گنجد، اما برای سهولت بحث شاید بتوان این عوامل را به چهار مقوله زیر تقسیم کرد:

- ۱- ویژگی های فردی دانش آموز
- ۲- محیط آموزشی و مدرسه
- ۳- ویژگی های خانوادگی دانش آموزان

۴- عوامل اجتماعی

در این مقاله علل و عوامل خانوادگی مؤثر بر افت تحصیلی دانش آموزان، نظیر: محیط خانواده، جو عاطفی و روانی خانواده، بی سوادی یا کم سوادی والدین، تغییر محل سکونت خانواده، ناکافی بودن امکانات داخل خانه، بیماری جسمی یا روانی والدین، عدم آگاهی والدین از شیوه های مطالعه و فقر اقتصادی خانواده مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

تعریف افت تحصیلی

کاربرد اصطلاح "افت تحصیلی" یا "اتلاف" (WASTAGE) در آموزش و پرورش، از زبان اقتصاددانان گرفته شده و آموزش و پرورش را به صنعتی تشبیه می کند که بخشی از سرمایه و

می‌کنند، باید
محیطی غنی و آکنده
از صفا و صمیمیت، مهر

و عذوفت، همراه با نظم و انضباط،
ترتیب دادن بازی‌ها، تفریحات مناسب
و گردش‌های به‌موقع و ممکن،
متناسب با سن و سال کودکان، باشد.
محیط غم‌آلود اختلاف، بگومگو و
حتی سکوت ناشی از قهر برای کودکان
و حتی نوجوانان و جوانان دردآور و
خردکننده است و نتایج اسف‌باری به
دنبال دارد که در بیش‌تر مواقع سبب
افت تحصیلی دانش‌آموز می‌شود. پس
مهم‌ترین نقش خانواده ایجاد محیطی
آرام و مساعد برای مطالعه و انجام
تکالیف درسی است. والدین می‌توانند
با غنی کردن محیط خانواده در
پیش‌رفت تحصیلی فرزندان خود نقش
مهمی داشته باشند. آنان باید به جای
خرید اشیای غیرضروری برای استفاده
فرزندان خود، کتاب‌های کمک‌درسی
و وسایل کمک‌آموزشی تهیه کنند تا از
این طریق هم دانش‌آموزان اوقات
فراغت خود را به خوبی بگذرانند و هم
به یادگیری آنان کمک شود. بیابانگرد
(۱۳۷۸) معتقد است پیش‌رفت
تحصیلی دانش‌آموزان قبل از هر چیز
مستلزم برخورداری از یک
فضای متعادل و

دروغ‌گویی و
چاپلوسی باکی
ندارند، او نیز همین
صفت‌های زشت اجتماعی
را خواهد داشت. برعکس، اگر افراد
خانواده‌اش همیشه از کمک به مردم و
راست‌گویی و صداقت لذت ببرند،
کودک نیز به احتمال زیاد دارای همین
صفت‌های پسندیده خواهد بود و... هم
چنین ارزش‌های اجتماعی در دوران
زندگی یک فرد غالباً همان ارزش‌هایی
خواهند بود که او از خانواده‌اش
آموخته است... پایه عقاید و افکار
اجتماعی کودک از قبیل علاقه به
تسامح یا تعصب یا طرفداری از حق نیز
در خانه و خانواده بی‌ریزی می‌شود.
بهرام‌زاده (۱۳۷۲) به نقل از
شاروک (۱۹۶۷) می‌گوید: "محیط
خانوادگی بیش از بهره‌هوشی کودکان
در موفقیت تحصیلی آن‌ها مؤثر است."
بنابراین می‌توان ادعا کرد که
خانواده مهم‌ترین نقش را در
شکل‌گیری شخصیت کودک داراست.
این شکل‌گیری ممکن است مختل یا
سالم باشد. پس والدین باید بدانند
محیطی که برای فرزندان خود مهیا

شفیع آبادی (۱۳۷۱)

معتقد است که کودک
خردسال برای حل مشکلات از والدین
کمک می‌طلبد و برای انجام و تداوم
کارها از والدین اطمینان و تسلی
می‌خواهد. والدین اولین الگوهای
اخلاقی کودک‌اند.

سرمد (۱۳۷۳) به نقل از
ایورموریش معتقد است پدر و مادری
که به تعلیم و تربیت، سواد، حسن رفتار
اجتماعی، یا هر نوع پیش‌رفت
اجتماعی بی‌توجه باشند، مسلماً در
پیش‌رفت تحصیلی فرزند خود تأثیر
منفی خواهند داشت. نمونه بودن
والدین یعنی آن‌چه واقعاً هستند، نه آن
چه تصور می‌کنند، بیش از هر چیز دیگر
در کودکان مؤثر است.

شعاری نژاد (۱۳۶۶) در کتاب
میانی روان‌شناسی تربیت، تأثیر خانواده
در رشد و تکامل اجتماعی کودک را
چنین توصیف می‌کند: کودک آداب
معاشرت را از مشاهده رفتار افراد
خانواده در موارد و مواقع گوناگون یاد
می‌گیرد. برای مثال، وقتی پدر و مادر یا
سایر افراد خانواده‌اش را می‌بیند که زیاد
می‌گویند و کم‌تر عمل می‌کنند، یا از

والدین باید با اطلاع از وضعیت روحی، جسمانی و تحصیلی فرزند

و آگاهی از چگونگی کمک به او - در سایه هماهنگی با مربیان -

فضای لازم را برای پیش‌رفت تحصیلی فرزند خود فراهم کنند

و به جای دخالت یا انجام تکالیف وی، فقط نظارت و

مساعدت لازم را برای انجام کار توسط خود او به عمل آورند.

همان‌گ در خانه و مدرسه است... محیط خانواده، الگوهای رفتار، احساس و تفکر صحیح را به کودکان می‌آموزد و در آنان انگیزه و رغبت برای تحصیل و کسب علم را فراهم می‌سازد... تحقیقات و مطالعات فراوانی که در کشور ما و سایر کشورها انجام گرفته، نشان دهنده این نکته است که اگر خانواده درگیر و علاقه‌مند به مسائل تحصیلی فرزندان خود گردد، کودکان نیز با ذوق و شوق بیشتری تحصیل خواهند کرد (بیابانگرد، ۱۳۷۸).
پورتوا^۱ در مطالعات خود در زمینه اثر محیط خانوادگی بر سازگاری

اگر والدین نیاز فرزندان را

بر نیاورند، این کودکان

در برخورد با موقعیت‌ها یا افراد جدید از

احساس امنیت و اطمینان به نفس کافی

برخوردار نیستند.

تحصیلی و اجتماعی کودکان به این نتیجه دست یافت که ۷۰ درصد رشد کودکان تحت تأثیر واقعیت‌های زندگی خانواده (رفتار، نگرش‌ها، خصوصیات شخصیتی، توانایی‌های ذهنی، مقام و موقعیت اجتماعی و محیط زندگی اولیه) قرار دارد. این محقق و همکار او^۲ "دوپن" اثر محیط خانوادگی بر رشد کلامی کودک را مورد تحلیل قرار دادند و بر تأثیر مهم خانواده در ایجاد مهارت‌های کلامی تأکید داشتند (بازرگان، ۱۳۷۹).

جو عاطفی و روانی در خانواده

منظور از جو عاطفی خانواده، نحوه ارتباط و طرز برخورد افراد یک خانواده با هم است. نظر افراد خانواده نسبت به هم و علاقه آن‌ها به یکدیگر و چگونگی دخالت آن‌ها در کارهای هم و همکاری یا رقابت آن‌ها با یکدیگر، نحوه ارتباط ایشان را نشان می‌دهد. هر خانواده‌ای برخوردار از شکل خاصی از فضای روانی - عاطفی است که تعیین‌کننده نوع رفتارها و روابط بین اعضای آن است که ممکن است به سه صورت زیر ظاهر گردد:

۱- فضای پذیرنده و احترام متقابل به یکدیگر:

از خصوصیات افراد این خانواده می‌توان احترام نسبت به یکدیگر، همکاری با هم، داشتن قدرت اظهار نظر، شرکت در تصمیم‌گیری‌ها، همفکری و همدلی با هم را نام برد.

۲- عدم دخالت در کار یکدیگر و آزادی مطلق:

از خصوصیات این خانواده می‌توان آزادی مطلق افراد در خانه، عدم دخالت در کارهای یکدیگر، هرج و مرج در روابط خانوادگی، عدم توجه به مصالح و منافع دیگران و بی‌احترامی را نام برد.

۳- دیکتاتوری یا حاکمیت یک نفر بر اعمال و رفتار دیگران:

در چنین محیطی ترس و وحشت بر افراد غلبه دارد. تمایلات و احتیاجات بچه‌ها به هیچ وجه مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بچه‌هایی که در

چنین خانواده‌هایی رشد می‌کنند احساس امنیت نمی‌کنند، جرئت اظهار نظر ندارند و در نتیجه استعداد و مهارت‌های آن‌ها فرصت بروز پیدا نمی‌کنند، در ظاهر حالت تسلیم و اطاعت از خود نشان می‌دهند و در مقابل دیگران حالت خصومت و دشمنی به خود می‌گیرند. (حسین‌پور و همکاران، ۱۳۷۹).

نحوه ارتباط والدین با یکدیگر و با دیگر اعضای خانواده و امنیت یا عدم امنیت در خانه اثر مستقیم بر روی کودکان دارد. چنان‌چه والدین نتوانند محیطی آکنده از صفا و صمیمیت به وجود آورند، محیط خانواده به کانون تشنج، بگومگو، اختلافات ریشه‌دار و درگیری مکرر والدین تبدیل می‌گردد و بچه‌ها شدیداً احساس عدم امنیت کرده، سعی در فرار از خانه و خانواده خواهند داشت و به دنبال آن دانش‌آموز دچار افت تحصیلی خواهد شد. وقتی محیط خانواده آکنده از محبت و احترام باشد، دانش‌آموز از آن احساس رضایت می‌کند، از تشویق و دلگرمی والدین خود برخوردار می‌شود، از بودن با اولیای خود لذت می‌برد، محیط خانه را به محیط بیرون از خانه ترجیح می‌دهد و از کمک و راهنمایی والدین خود بهره‌مند می‌شود. اگر والدین نیاز فرزندان را بر نیاورند، این کودکان در برخوردهای خود با موقعیت‌ها یا افراد جدید از احساس امنیت و اطمینان به نفس کافی برخوردار نیستند (هیلگارد و اتکینسون، نقل از براهنی، ۱۳۷۲).

والدین باید با اطلاع از وضعیت روحی و جسمانی و وضعیت تحصیلی فرزند خود و نیز آگاهی از چگونگی

توجه و کمک به او که در سایه همکاری و هماهنگی با مربیان انجام خواهد گرفت، بستر و فضای لازم را برای پیشرفت تحصیلی فرزند خود فراهم و او را راهنمایی کنند و به جای دخالت یا انجام تکالیف فرزند خود، فقط نظارت و مساعدت لازم را برای انجام کار توسط خود او به عمل آورند.

بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین:

یکی از عواملی که در افت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر زیادی دارد، بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین است. زیرا بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین هم از نظر عدم درک وظایف مدرسه، برنامه‌های آن و تداوم حضور مرتب دانش‌آموزان در مدرسه مشکلاتی برای تحصیل آنان فراهم می‌کند، و هم از نظر ناتوانی آنان در کمک فکری و عملی به امور برنامه‌داری دانش‌آموزان در منزل، از پیش رفت مناسب تحصیلی فرزندان می‌کاهد. زیرا برخی از دانش‌آموزان در

امور تحصیلی خود نیازمند ساعات آموزشی خارج از اوقات رسمی کلاس و مدرسه‌اند. برای این قبیل دانش‌آموزان، به علل متعدد، آموزش در مدرسه کافی نیست و لازم است پس از خروج از مدرسه کمک‌های آموزشی اضافی از منابع دیگر دریافت کنند.

والدین با سواد علاوه بر نقش کمک‌رسانی در آموزش فرزندان خود الگوی منسجمی از یک فرد با سواد نیز به شمار می‌آیند. سواد والدین در تحصیل فرزندان نقش دو جانبه‌ای دارد: از یک سو برای آنان جنبه کمک آموزشی دارد و از سوی دیگر انگیزه‌ای برای درس خواندن آنان می‌شود. بی‌سوادی والدین نیز آسیب دو جانبه‌ای دارد. این قبیل والدین نه تنها نمی‌توانند از نظر آموزشی و تحصیلی به فرزندان خود کمک کنند، بلکه یک الگوی تقلیدی نامناسب برای فرزندان خودند.

بیابانگرد (۱۳۷۸) چنین نقل می‌کند: «پایین بودن سطح تحصیلات و

فرهنگ خانواده در درجه اول سبب می‌شود که خانواده نتواند کمک‌های درسی لازم را به دانش‌آموزان ارائه کرده، در حل مشکلات درسی آن‌ها را یاری کند. پایین بودن سطح تحصیلات خانواده سبب می‌شود که والدین نتوانند در خانه از روزنامه، مجلات و کتاب‌های کمکی استفاده کنند. در نتیجه فرزندان چنین خانواده‌هایی نیز از این لحاظ در محرومیت به سر می‌برند. والدین کم‌سواد یا بی‌سواد معمولاً کم‌تر به مسائل پیش‌رفت تحصیلی فرزندان خود فکر می‌کنند.»

تغییر محل سکونت خانواده

گاهی علت افت تحصیلی، تغییر محل سکونت دانش‌آموز و به تبع آن انتقال از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر است. زیرا ممکن است فرد نتواند به سهولت خود را با محیط جدید، دانش‌آموزان و معلمان جدید وفق دهد و مدت زمان زیادی طول می‌کشد تا فرد تغییر وضع موجود را بپذیرد و بتواند با هم‌کلاسان خود ارتباط برقرار نموده، به جمع آنان بپیوندد. اغلب دانش‌آموزانی که به شهر و مدرسه‌ای خاص انس گرفته‌اند، وقتی مهاجرت می‌کنند و به شهر و مدرسه دیگری می‌روند، ابتدا نسبت به محیط جدید استرس و نگرانی دارند و مدت زمان زیادی طول می‌کشد تا خود را با محیط جدید سازگار کنند و همین امر ممکن است باعث افت تحصیلی آنان شود.



والدین با سواد علاوه بر

نقش کمک‌رسانی در آموزش فرزندان خود، الگوی منسجمی

از یک فرد با سواد نیز به شمار می‌آیند.

ناکافی بودن امکانات داخل خانه

فراهم کردن میز و صندلی و اتاق مخصوص مطالعه برای خانواده‌هایی که در یک اتاق زندگی می‌کنند، بسی دشوار است. برخی از دانش‌آموزان جای مناسبی برای درس خواندن در خانه ندارند و مجبور می‌شوند برای پیدا کردن مکانی آرام و بدون سرو صدا برای مطالعه به کتابخانه یا مدرسه بروند.

مرتضوی‌زاده (۱۳۷۹) با انجام پژوهشی بیش‌ترین مشکلات دانش‌آموزان دختر و پسر دچار افت تحصیلی بالا را شلوغ بودن خانواده و نداشتن مکان مناسب برای مطالعه می‌داند.

بیرون رفتن دانش‌آموزان از خانه به هر نیتی که باشد ممکن است مشکلاتی را برای آنان و خانواده‌هایشان به وجود آورد. برخی از دانش‌آموزان عادت دارند شب‌ها مطالعه کنند و شلوغ بودن خانه و نداشتن مکانی مناسب باعث می‌شود که آنان نتوانند به خوبی از عهده انجام تکالیف خود بر آیند و در نتیجه دچار افت تحصیلی می‌شوند. دانش‌آموزی که در خانواده مثلاً هشت نفری، در تنها اتاق خانه مجبور به درس خواندن می‌شود، فرصت محدود درس خواندن در محیط خانه را از دست می‌دهد، زیرا یکی از افراد خانه می‌خواهد تلویزیون تماشا کند، دیگری قصد استراحت دارد و سومی می‌خواهد درس خود را با صدای بلند تکرار کند و آن دیگری سکوت محض را طلب می‌کند.

مطالعه برومر در مورد دانش‌آموزان تهرانی نشان داد که ۴۸ درصد از دانش‌آموزان جای مناسبی ندارند تا بتوانند با تمرکز حواس در آن به مطالعه بپردازند. این عده بیش‌تر در اتاق نشیمن خانواده، حیاط، پشت بام، زیر زمین یا خارج از خانه مانند کوچه، پارک و... درس می‌خوانند (احمدی، ۱۳۷۱).

بیماری جسمی یا روانی والدین

بیماری جسمی یا روانی یکی از والدین باعث می‌شود که دانش‌آموز دچار افسردگی و ناامیدی از درس و مدرسه شود و مدام در این فکر باشد که چگونه پدر یا مادر خود را معالجه کند. گاهی اوقات کانون گرم خانواده دچار تزلزل شده، به محیطی سرد و بی‌روح تبدیل می‌شود. بیماری والدین گاهی مانع نظارت صحیح بر درس و رفتار فرزندان می‌شود و ممکن است دانش‌آموز نسبت به مدرسه و کلاس درس بی‌خیال شده، علاقه و انگیزه خود را به ادامه تحصیل از دست بدهد و زمینه برای افت تحصیلی او فراهم شود. به عنوان مثال پدری که دچار ناراحتی جسمی و روانی باشد نمی‌تواند نظارتی بر رفت و آمد فرزند خود داشته باشد و لذا ممکن است دانش‌آموز به جای آن که به مدرسه برود به مکان‌های دیگری رفت و آمد کند و همین امر زمینه را برای سوء استفاده‌های جنسی و جسمی فراهم نماید. بدین ترتیب دانش‌آموز کم‌کم از ادامه تحصیل منصرف شده، به جمع ترک تحصیل‌کنندگان می‌پیوندد.

عدم آگاهی والدین از شیوه‌های مطالعه

ممکن است دانش‌آموز شیوه‌های صحیح مطالعه را نیاموخته باشد و نداند چه موقع، کجا و چگونه باید مطالعه کند. والدین نیز ممکن است زمینه‌های مناسب مطالعه را برای او فراهم نکرده باشند یا به علت عدم آگاهی از شیوه‌های صحیح مطالعه،

دانش‌آموز یاد نگرفته است که

پس از بازگشت از مدرسه باید مدتی

استراحت کند، سپس مطالعه درسی

خود را آغاز نماید و پس از

یک ساعت مطالعه حداکثر نیم ساعت

استراحت داشته باشد.

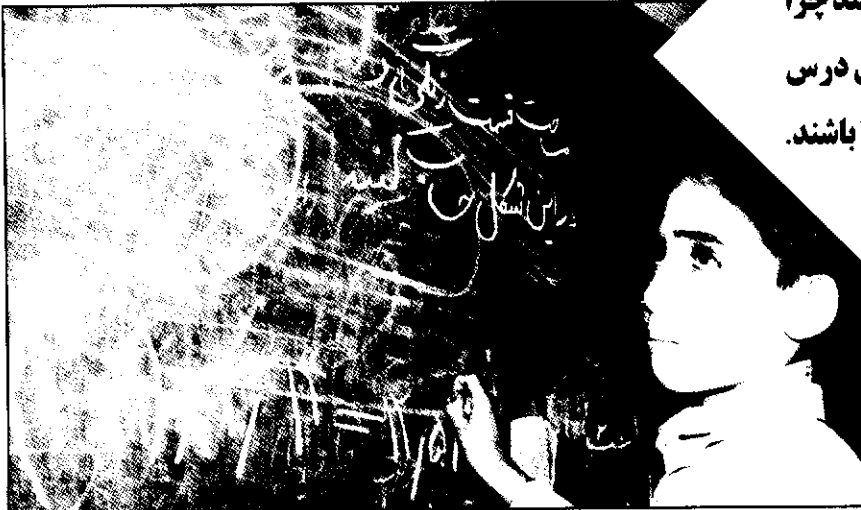
نتوانند مهارت‌های مطالعه را به او بیاموزند. برخی از والدین به طور مداوم به فرزندان خود می‌گویند درس بخوانید، مطالعه کنید، ولی هرگز نمی‌گویند چگونه مطالعه کنید و روش‌های صحیح مطالعه را نمی‌دانند. به همین دلیل دانش‌آموز یاد نگرفته است که پس از بازگشت از مدرسه باید مدتی استراحت کند، سپس مطالعه درسی خود را آغاز نماید و پس از یک ساعت مطالعه حداکثر نیم ساعت استراحت داشته باشد. نگارنده (۱۳۷۹) با انجام پژوهشی به این نتیجه رسیده

معلمان به جای این که

از دانش آموزان بپرسند چرا

درس نمی خوانند، به دنبال ریشه ها و علل درس

نخواندن آن ها باشند.



است که ۹۵ درصد از دانش آموزان دوره متوسطه استان کهگیلویه و بویراحمد شیوه خاصی برای مطالعه نمی شناسند و آموزش ویژه ای در این زمینه ندیده اند.

اصل پریماک به ما می گوید: دانش آموز ابتدا باید تکالیف درسی خود را انجام دهد و بعد به بازی و تفریح بپردازد. (هیلگارد و اتکینسون، نقل از براهنی، ۱۳۷۲) دانش آموزانی که مقدار زیادی از وقت خود را صرف بازی و تفریح می کنند، تا دیر وقت به تماشای تلویزیون می پردازند و بی موقع به رختخواب می روند، ممکن است آمادگی خود را برای یادگیری از دست بدهند.

فقدان یا عدم حضور والدین

فقدان یا غیبت پدر و مادر یا یکی از آن ها (در اثر طلاق یا مرگ) موجب اختلال در شکل گیری شخصیت سالم شده، فضای عاطفی ضعیف و فقیری را ایجاد می کند که نتیجه اش اختلال در رشد روانی و سازش ناکافی در محیط خانواده و محیط های دیگر، ایجاد مسائل و مشکلات عاطفی فراوان در دانش آموزان و به دنبال آن افت تحصیلی فرد است. افت تحصیلی ممکن است افسردگی و آشفتگی های

فراوانی نیز در خانواده ایجاد کند.

فقر اقتصادی خانواده

فقر اقتصادی خانواده توان اولیا را در تأمین بهداشت، خوراک و پوشاک مناسب، کتب و وسایل کمک آموزشی به صفر می رساند و دانش آموز گاه از تأمین لوازمی همچون پرگار، خط کش و گونیا که جزء لوازم درجه دوم آموزش اند، ناتوان است و گاهی نیز بدون داشتن قلم و دفتر و لباس کهنه و مندرس و با رنگی پریده و چشمانی گود رفته در کلاس درس حاضر می شود. این دانش آموز نمی تواند آمادگی لازم را (رکن اساسی یادگیری است) برای یادگیری و فعالیت کلاسی داشته باشد و در نتیجه انگیزه و رغبت برای یادگیری را از دست داده، دچار افت تحصیلی می شود. در بعضی مواقع فقر اقتصادی دانش آموز را مجبور می کند که برای جبران کمبودهای خود و خانواده اش ساعاتی از روز به کار مشغول شود و در نتیجه فرصت کافی برای انجام تکالیف نداشته باشد. در برخی از مواقع نیز دانش آموز به دلیل

نداشتن لوازم التحریر تکالیف خود را انجام نمی دهد و وقتی معلم از او سؤال می کند که چرا تکالیف خود را انجام نداده ای، مجبور است برای حفظ شخصیت و حرمت خود و خانواده اش به دروغ گویی متوسل شده، از گفتن حقیقت که همانا ناتوانی خانواده در تهیه قلم و دفتر است، طفره رود و سرانجام فردی دروغ گو شود.

پیش نهادها:

- ۱- پرسش نامه محرمانه که حاوی اطلاعات لازم از قبیل: وضعیت اقتصادی خانواده، تحصیلات والدین، شمار اعضای خانواده، سن پدر و مادر، وضعیت جسمی و روحی والدین و سایر اعضای خانواده و... است، تهیه و تنظیم شود و به منظور آگاه کردن معلمان در اختیار آنان قرار گیرد.
- ۲- معلمان از طریق اولیای مدرسه و پرسش نامه محرمانه، هر یک از دانش آموزان را بشناسند و متناسب با وضعیت روحی و روانی و خانوادگی با آن ها رفتار کنند. نگارنده، روزی در کلاس درس یکی از دانش آموزان را

در بعضی مواقع

**فقر اقتصادی دانش آموز را مجبور می کند
که برای جبران کمبودهای خود و
خانواده اش ساعاتی از روز به کار مشغول
شود و در نتیجه فرصت کافی برای انجام
تکالیف نداشته باشد.**

منابع:

- احمدی، احمد:
روان شناسی نوجوانان و جوانان. انتشارات
ترمه، تهران ۱۳۷۱.
- امین فر، مرتضی: افت تحصیلی یا ائتلاف
در آموزش و پرورش، فصل نامه تعلیم و تربیت،
سال دوم، پاییز و زمستان ۶۵، شماره ۷ و ۸، تهران
۱۳۶۵.
- بازرگان، زهرا: نگاهی دیگر به مسئله افت
تحصیلی و شیوه های مؤثر مقابله با آن، نشریه پیوند،
دی ماه ۱۳۷۹.
- بیابان گرد، اسماعیل: روش های
پیش گیری از افت تحصیلی، انتشارات انجمن اولیا
و مربیان، تهران ۱۳۷۸.
- بهرام زاده، هیبت الله: رابطه خانواده و
افت تحصیلی در کارزون، پایان نامه کارشناسی
ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- حسین پور، شهره و کافیان، محمد رضا:
آموزش مهارت های تخصصی، دفتر آموزش
عمومی وزارت آموزش و پرورش، تهران ۱۳۷۹.
- شعاری نژاد، علی اکبر: مبانی روان
شناختی تربیت، مؤسسه مطالعات و تحقیقات
فرهنگی، تهران ۱۳۶۶.
- شفیع آبادی، عبدالله: فنون تربیت کودک،
انتشارات چهره، تهران ۱۳۷۱.
- هیلگارد و اتکینسون: زمینه روان شناسی،
ترجمه براهنی و همکاران، جلد اول، انتشارات
رشد، تهران ۱۳۷۲.
- نریمانی، محمد: مروری بر عوامل مؤثر بر
افت تحصیلی دانش آموزان، نشریه پیوند، بهمن
۱۳۵۱.
- مرتضوی زاده، حشمت الله: مقایسه
شیوه ها و استراتژی های مطالعه و یادگیری
دانش آموزان دارای پیش رفت تحصیلی بالا و
دانش آموزان دارای پیش رفت تحصیلی پایین دوره
متوسطه، استان کهگیلویه و بویراحمد، پایان نامه
کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- موریش، ایور: درآمدی به جامعه شناسی
تعلیم و تربیت، ترجمه غلامعلی سرمد، مرکز نشر
دانشگاهی، تهران ۱۳۷۳.

سواد بودن و برای این که الگوی
مناسبی برای فرزند خود باشند، در
شبهانه روز حداقل یک ساعت از وقت
خود را به مطالعه اختصاص دهند.

۷- معلمان به جای این که از
دانش آموزان بپرسند چرا درس
نمی خوانند، به دنبال ریشه ها و علل
درس نخواندن آن ها باشند و پس از
پیدا کردن علل افت تحصیلی، راه حل
مناسب را ارائه دهند. هرگز و در هیچ
شرایطی دانش آموز سهل انگار و تنبل را
از کلاس درس اخراج نکنند؛ زیرا
ممکن است دانش آموز کلاس درس را
دوست داشته باشد و برای از کلاس
بیرون رفتن رفتار نامطلوبی از خود
نشان دهد. معلم باید در کلاس درس
مدیریتی توانمند و روان شناسی آگاه
باشد و متناسب با رفتار دانش آموز از
روش های مختلف تغییر رفتار استفاده
کند.

۸- والدین و اولیای مدرسه هرگز
از تشبیه بدنی استفاده نکنند، چرا که تشبیه
بدنی اثرهای زیان باری در رفتار
دانش آموز به جای می گذارد. از طریق
تشبیه بدنی نمی توان دانش آموز را به
درس خواندن علاقه مند کرد، بلکه بر
عکس نفرت و انزجار از مدرسه در او
ایجاد می شود.

۹- والدین با فرزندانشان خود
رفتاری منطقی و متناسب با سن و سال
آن ها داشته، آنان را آن گونه که هستند
پذیرا باشند. به آن ها احترام بگذارند،
موقعیت و فرصت اظهار نظر را برای
آنان ایجاد کنند و آن ها را با دیگران
مقایسه نکنند که این خود مانع رشد
اعتماد به نفس در آنان است.

صدا زد و گفت که بلند شود و به
سؤالات پاسخ دهد، ولی آن دانش آموز
از جای خود تکان نخورد. دوباره وی را
مورد خطاب قرار داد و بار سوم یکی از
دانش آموزان با اشاره دست گفت که
این دانش آموز از ناحیه دو پا معلول
است و نمی تواند بلند شود.

۳- معلمان از جو حاکم بر
خانواده دانش آموزان آگاه شوند.
۴- اولیای مدرسه در ابتدای سال
استقبال خوبی از دانش آموزان داشته
باشند و حتی المقدور با هدیه کردن یک
شاخه گل به هر یک از دانش آموزان
نگرش مثبتی در آنان ایجاد کنند، زیرا
خوش بینی به مدرسه مقدمه علاقه مند
شدن به درس و یادگیری و ایجاد و
پرورش میل و رغبت است که اصل
اساسی در یادگیری است.

۵- معلم در کلاس درس تک تک
شاگردان را مورد توجه قرار دهد و حتی
نگاه خود را به طور مساوی بین آن ها
تقسیم کند، عدالت را رعایت کند، و از
تبعیض قائل شدن بین دانش آموزان
بپرهیزد. سعی کند آن ها را به صورت
انفرادی بشناسد و سهمی از وقت و
انرژی خود را در اختیار هر یک از آن ها
قرار دهد. در تدریس از روش های
متنوع استفاده کند. با اولیای
دانش آموزان و خود آن ها برخوردی
محبت آمیز و مثبت داشته باشد و در
کارهای کلاسی شاگردان را به
پیش رفت و به دست آوردن اطلاعات
جدید تشویق کند.

۶- والدین ماهانه سهم ناچیزی از
درآمد خود را به خرید روزنامه، مجله و
کتاب های کمک درسی برای فرزندانشان
خود اختصاص داده، در صورت با